

ابتکار یک کمر بند یک راه، نهادگرایی و دیپلماسی انرژی چین

بهنام وکیلی^۱، ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۲، سید سعید میرتربایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۴

چکیده

طی دو دهه گذشته، دیپلماسی انرژی چین به سرعت در حال تغییر و گسترش است و تحولات ژئوپلیتیکی جدید و استقرار رژیم‌های بین‌المللی، دیپلماسی انرژی این کشور را تقویت کرده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل نقش، محتوا و اهمیت تدارکات نهادی چین و شناسایی برخی پیامدهای آن بر دیپلماسی انرژی این کشور برای تسهیل روند وابستگی متقابل اقتصادی، و ارائه چشم‌اندازی از اهداف بلندپروازانه پکن در بخش انرژی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که رژیم‌سازی بین‌المللی جدید چین در چارچوب ابتکار «یک کمر بند یک راه» چگونه در راستای اهداف دیپلماسی انرژی این کشور قرار گرفته است. فرضیه مورد آزمون باتکیه بر آموزه‌های نظریه نهادگرایی نولیبرال این گونه طراحی شده است که این ابتکار ضمن افزایش اعتبار بین‌المللی و مشروعیت سازمانی پکن در راستای تسهیل روند وابستگی متقابل اقتصادی، دیپلماسی انرژی این کشور را با ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید و ارتباطات فزاینده در زمینه انرژی و تجارت تقویت کرده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد، پکن باتکیه بر این ابتکار، ضمن تقویت دیپلماسی انرژی خود، معماری جدید حکمرانی جهانی انرژی و انتقال خود به نظام نظارتی بین‌المللی را در نظر دارد.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی انرژی؛ چین؛ نهادگرایی نولیبرال؛ رژیم‌های بین‌المللی؛ حکمرانی جهانی

^۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Behnamvakili91@gmail.com

^۲. استاد تمام، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

^۳. استاد تمام، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

۱- مقدمه

دگرذیسی اقتصاد سیاسی چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ در واقع منبعث از بروز تحول در نظام شناختی سیاست‌گذاران و بررسی‌های راهبردی تصمیم‌گیرندگان آن کشور برای مواجهه با واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی بود. یکی از مهم‌ترین موضوعات نزد رهبران سیاسی پکن، دیپلماسی انرژی است. برجستگی این موضوع به حدی بود که وزیر خارجه چین در سال ۲۰۰۶ مدعی شد هیچ کشوری نمی‌تواند نسبت به مسائل امنیت انرژی خود بی‌تفاوت باشد و ضرورت همکاری بین‌المللی رشته‌ای متمایز و با اهمیت تحت عنوان دیپلماسی انرژی را برجسته کرده است (Christoffersen, 2016: 20). افزون بر این، دستیابی به جایگاه دومین مصرف‌کننده انرژی پس از ایالات متحده، رهبران سیاسی پکن را به این واقعیت رساند که سیاست تداوم رشد اقتصادی و توسعه صنعتی مستلزم ایجاد پیوندهای هم‌افزایانه بین سیاست خارجی و دیپلماسی انرژی است. مسئله‌ای که وجود دارد این است که پکن احساس می‌کند فعالیت‌هایش در حوزه انرژی، توسط نهادهای بین‌المللی فعلی ایجادشده غرب محدود شده است و این مؤسسات بین‌المللی توانایی برآورده کردن تقاضای قدرت‌های در حال ظهور را ندارند.

آثار متعددی درباره موضوع فوق به رشته تحریر درآمده است که به‌عنوان پیشینه پژوهش باید بدان اشاره کرد. «گولدر و لیانگ^۴» (۲۰۱۶) استدلال می‌کنند که دیپلماسی انرژی چین نه مرتبط با الزامات افزایش وابستگی اقتصادی و نه در جهت تغییر شکل نظم جهانی است؛ بلکه براساس حمایت از منافع ملی صورت‌بندی شده است. آن‌ها استدلال می‌کنند که چین در تلاش است تا امنیت انرژی خود را از مناطق متنوعی از جهان در جهت رشد اقتصادی تضمین کند.

«جیمز تانگ^۵» (۲۰۰۶) با بررسی تاریخ دیپلماسی انرژی چین نشان می‌دهد که چگونه سیاست خارجی چین متأثر از افزایش ناامنی انرژی و تأمین منافع این کشور در رقابت با امریکاست. او معتقد است برای جلوگیری از رویارویی، دو کشور باید به همکاری و منافع متقابل تأکید کنند؛ نه اینکه برای تأمین انرژی وارد رقابت با یکدیگر شوند.

«اسکوبل و نادر^۶» (۲۰۱۶) پژوهش مبسوطی درباره سیاست انرژی چین با توجه به روابط با دو کشور ایران و عربستان انجام داده‌اند. آن‌ها بر این باورند که به‌دلیل افزایش وابستگی انرژی و اقتصادی چین به منطقه، این کشور ممکن است نقش امنیتی بیشتری را در منطقه خاورمیانه ایفا کند.

مسعود شفائی و دارابی در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد و اهداف دیپلماسی انرژی چین» به نگرانی‌های عمده چین در زمینه انرژی و نقش آن در سیاست خارجی این کشور پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که پکن در چارچوب دیپلماسی انرژی، سیاست مذاکره با مصرف‌کنندگان، ایجاد ذخایر استراتژیک و تلاش برای کاهش وابستگی به انرژی فسیلی را در پیش گرفته است تا پیشاپیش از خسارت‌های جبران‌ناپذیر ناامنی انرژی به اقتصاد در حال رشد خود بکاهد.

همان‌طور که ادبیات موجود نشان می‌دهد، دیپلماسی انرژی پکن مسئله‌ای است که با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی، به‌طور مداوم در حال توسعه و تغییر است. تدارکات نهادی جدید پکن از جمله ابتکار یک کمربند یک‌راه، چشم‌انداز

⁴ Gueldry & Liang

⁵ James Tang

⁶ Scobell & Nader

دیپلماسی انرژی چین را تغییر داده است و پژوهشی دیده نمی‌شود که به صورت مبسوط تأثیر فرایند نهادگرایی پکن را به عنوان متغیر مستقل مورد پایش و مذاقه قرار دهد. این خلأ را می‌توان با طرح پرسشی مبنی بر چگونگی تأثیرگذاری و پیامد تدارکات نهادی بر دیپلماسی انرژی این کشور به حداقل رساند؛ بنابراین، پژوهش حاضر به منظور اهمیت شناخت نقش، محتوا و اهمیت تدارکات نهادی جدید پکن و شناسایی برخی پیامدهای آن بر دیپلماسی انرژی این کشور درصدد پاسخ به این پرسش است که «رژیم‌سازی بین‌المللی جدید چین در چارچوب ابتکار «یک کمربند یک راه»^۷ چگونه در راستای اهداف دیپلماسی انرژی این کشور قرار گرفته است؟».

در پاسخ به این پرسش، فرضیه مورد آزمون با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به آموزه‌های نظریه نهادگرایی نولیبرال این‌گونه طراحی شده است که ابتکار یک کمربند یک راه، ضمن افزایش اعتبار بین‌المللی و مشروعیت سازمانی پکن برای تسهیل روند وابستگی متقابل اقتصادی، دیپلماسی انرژی این کشور را با ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید و ارتباطات فزاینده در زمینه انرژی و تجارت تقویت کرده است. گفتنی است گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دست اول و به‌ویژه اسناد رسمی دولت چین و مراکز آماری مندرج در پایگاه‌های اینترنتی معتبر خواهد بود.

سازمان‌دهی پژوهش این‌گونه است که پس از تشریح مبانی نظریه نهادگرایی نولیبرال، ژئوپلیتیک انرژی پکن بررسی می‌شود تا پاسخی به این پرسش زمینه‌مند داده شود که این کشور نیازهای مدرن انرژی خود را از چه مناطقی تأمین می‌کند. در بخش دیگر ابتکار یک کمربند یک راه از منظر دامنه، محتوا، نقش و اهمیت تحلیل و بررسی خواهد شد و نهایتاً در بخش پایانی با هدف ارزیابی چگونگی تأثیر و پیش‌بینی تدارکات نهادی پکن بر دیپلماسی انرژی این کشور، مهم‌ترین و جالب‌ترین تبیین‌ها ارائه خواهد شد تا پاسخ متقاعدکننده‌ای به پرسش اصلی این پژوهش داده شود.

۲- چارچوب نظری: نهادگرایی نولیبرال

نظریه نهادگرایی نولیبرال «رابرت کوهن»^۸ و توصیفی که وی در کتاب «پسا هژمونی»^۹ از ابعاد و خصوصیات نهادها و رژیم‌های بین‌المللی ارائه می‌دهد، بخش مهمی از مبانی نظری این پژوهش است که در این بخش، ضمن تشریح آن به چرایی انتخاب و کاربست این نظریه اشاره خواهد شد.

رابرت کوهن و جوزف نای نسخه بهینه‌ای از لیبرالیسم تولید کردند. نظریه آن‌ها ضمن توضیح و پیش‌بینی رویدادهای مهم سیاسی، توصیف جالبی را برای نهادهای بین‌المللی فراهم می‌کند که دارای اختیارات مشروع برای کارکردن و ایجاد صلاحیت حقوقی در یک منطقه خاص است. محققان نظریه نهادگرایی نولیبرال بر گستردگی و پایداری رژیم‌های بین‌المللی در ایجاد شرایط مطلوب و همکاری چندجانبه تأکید دارند (Armstrong, Farrel and Lambert, 2007: 88).

در این میان، درک کوهن از رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از اصول ضمنی و صریح هنجارها و

⁷ One Belt One Road

⁸ Robert Keohane

⁹ After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy

روش‌های تصمیم‌گیری در نظر گرفت که در آن انتظارات بازیگرانی از یک منطقه خاص تضمین و تأمین می‌شود (Keohane, 2005: 57).

در این نظریه دولت‌ها به‌عنوان بازیگران منطقی و یکپارچه در نظر گرفته می‌شوند؛ اما در ابتدا به‌دنبال ابزارهای غیرنظامی برای پیگیری منافع ملی هستند. این نظریه تأکید دارد که کشورها در یک محیط پیچیده به یکدیگر وابسته‌اند و در آن همکاری تجاری و تبادل اطلاعات برای توسعه کلیه دولت‌ها امری حیاتی است. در این بین رژیم‌ها مرکزی برای دستورالعمل رفتارها هستند و حتی توانایی مدیریت رفتار دولت‌ها را دارند (Burley, 1993: 225). علاوه بر این‌ها، در حالی که رژیم‌ها به‌عنوان بازیگران مستقل در نظر گرفته می‌شوند، عوامل مادی و اقتصادی نظام، به‌عنوان تنها منبع نفوذ در نظر گرفته نمی‌شود. در این میان رژیم‌ها با ایجاد کانال‌های اطلاعاتی به ساخت روابط متقابل کمک می‌کنند. دولت‌هایی که حجم بیشتری از اطلاعات را در اختیار هم‌تایانشان قرار می‌دهند، در جایگاهی فراتر از خود قرار می‌گیرند. همچنین میزان نهادینه‌سازی، تعیین‌کننده میزان تأثیر یک نهاد بر رفتار دولت‌هاست. رژیم‌های با سطح پایینی از مشروعیت و شناخت، ظرفیت نهادی لازم را برای اتصال دولت‌ها به قوانین تجویزی ندارند؛ در نتیجه دولت‌ها می‌توانند قانونی بودن صلاحیت را نقض کنند (Fauzisyah, 2018: 9).

به‌طور کلی لیبرال‌های نهادگرا بر این باورند که نهادگرایی، بی‌ثباتی را در نظام آنارشی به میزان قابل‌توجهی تعدیل می‌کند؛ زیرا به‌واسطه نهادها، بی‌اعتمادی میان دولت‌ها کاهش می‌یابد و این ابتکارات با ایجاد امکان و زمینه مناسب برای تبادل اطلاعات میان دولت‌های عضو به کاهش ابهامات رفتاری میان آن‌ها می‌انجامد که با اطلاع از نیت و اهداف یکدیگر معمای امنیتی نیز میان دولت‌ها کاهش می‌یابد. افزون بر این‌ها، نهادها ترس دولت‌ها را کاهش داده‌اند و به‌عنوان محلی برای مذاکره میان بازیگران، اشتراکات را تعمیق می‌بخشد. درحقیقت رژیم‌ها، استمرار و ثبات را در سیستم بین‌المللی فراهم می‌کنند؛ زیرا کشورها را برای کسب سود متقابل و همکاری تشویق می‌کند (جکسون و سورن، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

متناسب با آنچه از نهادگرایی نولیبرال گفته شد، این سؤال مطرح می‌شود که چرا این نظریه و توصیفی که کوهن از رژیم‌ها ارائه می‌دهد، در توضیح قانع‌کننده پرسش اصلی بهترین چارچوب را در اختیار دارد؟ ابتدا این تئوری با در نظر گرفتن ارزش‌هایی مانند مسئولیت، شفافیت، تنظیم تجارت قانونی، حکمرانی خوب و آزادسازی اقتصادی، چارچوب مناسبی را برای تبیین و پیش‌بینی نظمی در اختیار دارد که پکن با اتکا به مقادیر فوق و ترویج و تبلیغ آن می‌تواند مدیریت فعلی را تضعیف و قوانین و مؤسسات جدیدی را برای حکمرانی جهانی انرژی طراحی کند. ثانیاً تفسیر نظری که نهادگرایی نولیبرال از کارکرد رژیم‌های بین‌المللی ارائه می‌دهد، می‌تواند پاسخی جامع و رضایت‌بخش را برای این پرسش فراهم کند که پکن به‌عنوان یک قدرت روبه‌رشد چگونه با اتکا به تدارکات نهادی، ضمن تقویت دیپلماسی انرژی خود، وابستگی متقابل اقتصادی را تسهیل و قدرت چانه‌زنی خود را افزایش می‌دهد. علاوه بر این‌ها، مبانی رژیم‌سازی قابلیت تبیین ایجاد توافقات قانونی و نهادی را به‌عنوان مکانیسم‌های تجارت و انتقال انرژی را با هدف حفظ تعادل در رقابت بین منافع دولت‌ها دارد و نهایتاً نظریه نهادگرایی نولیبرال کوهن از این جهت تخصصی‌تر و مناسب‌تر است که ضمن توصیف شیوه تأثیر رژیم‌های بین‌المللی در کاهش منازعات احتمالی به تشریح منافع خودخواهانه و واقع‌گرایان دولت‌ها می‌پردازد.

۳- ژئوپلیتیک دیپلماسی انرژی چین

دیپلماسی انرژی به عنوان روشی دیپلماتیک برای استفاده از انرژی (ذخایر یا مسیرهای انرژی) به منظور به حداکثر رساندن منافع مرتبط با آن در روابط دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌شود. به عبارتی این مدل از دیپلماسی با استفاده از جنبه‌های مرتبط با انرژی، از توانمندی‌های ملی برای تقویت قدرت چانه‌زنی کشور در رژیم‌های بین‌المللی استفاده می‌کند (Uludag, Karagul and Baba, 2013: 102). دیپلماسی انرژی و شفاف‌نبودن پکن در سیاست‌گذاری انرژی، مشکلاتی را برای مدیریت جهانی ایجاد کرده است. در واقع یک راز وجود دارد که چگونه پکن به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام، سیاست‌های انرژی خود را اتخاذ می‌کند. برای رفع این ابهام، این بخش دیپلماسی انرژی چین را در مقایسه با سه منطقه بزرگی که دارای ذخایر انرژی قابل توجهی است، بررسی می‌کند تا نشان دهد این کشور از چه مناطقی نیازهای انرژی خود را تأمین می‌کند.

غناي ذخایر نفتی خاورمیانه و نزدیکی آن به خاک اصلی چین همچنان پکن را به نفت این منطقه وابسته نگه داشته است و هنوز بیش از پنجاه درصد نیازهای نفتی چین از این منطقه تأمین می‌شود. چین در سال ۲۰۱۶ در روز، ۶/۲ میلیون بشکه نفت وارد کرد که بیش از نیم آن از خاورمیانه و شمال آفریقا بود (Dusek and Kairouz, 2017). با توجه به استمرار رونق اقتصادی پکن، آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است تا سال ۲۰۳۰ واردات نفت چین از این منطقه دو برابر خواهد شد.

در این باره، دولت چین در سال ۲۰۱۶ نخستین مقاله سیاست عربی خود را منتشر کرد که سیاست و برنامه چین را برای گسترش روابط با کشورهای مختلف این منطقه معرفی می‌کند (Li and Yuwen, 2016)؛ برای مثال، عربستان سعودی بزرگ‌ترین شریک تجاری چین از غرب آسیا تا شمال آفریقا است و براساس تحقیقات به عمل آمده تا ۱۵ سال آینده بزرگ‌ترین منبع اطفای عطش فزاینده اقتصاد چین برای انرژی خواهد بود. همچنین به گزارش رویترز، با استناد به داده‌های گمرک، در سال ۲۰۱۹ واردات نفت چین از عربستان سعودی ۴۷ درصد افزایش یافته است (sertin, 2020). علاوه بر این، خاورمیانه بخش بزرگی از ابتکار یک کمر بند یک راه است که چین را از طریق آسیای میانه به اروپا متصل می‌کند.

آفریقا ۹/۵ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را در اختیار دارد و چین طی سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین بازیگران انرژی در این قاره بوده و توانسته است دسترسی خود را به منابع نفت و گاز این قاره توسعه دهد. تا سال ۲۰۰۰ حضور چین در صنعت نفت آفریقا محدود به سودان بود و شرکت دولتی نفت ملی چین یکی از سهام‌داران بزرگ شرکت‌های نفتی فعال چون نیل و پتروناس در این کشور محسوب می‌شد. امروزه شرکت‌های نفتی چین تقریباً در ۲۰ کشور آفریقای در دو بخش بالادستی و پایین‌دستی فعالیت می‌کنند. مطابق گزارش‌های رسمی، حدود دوسوم هزینه‌های شرکت‌های چینی در نیجریه، آنگولا، اوگاندا و موازیبیک است. یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری در این قاره نیجریه است. در حال حاضر نیجریه روزانه دو میلیون بشکه پلمپ می‌کند و برآورد شده است که این رقم تا سال ۲۰۲۳ به سه

میلیون بشکه برسد (Africa oil week, 2019). علاوه بر دیپلماسی انرژی و توسعه دسترسی به منابع نفت و گاز، پکن با تقویت توافق‌های تجارت دوجانبه، اعطای کمک به بدهی‌ها و طرح‌های توسعه‌ای، حسن نیت خود را در این قاره افزایش داده است.

آسیای مرکزی به‌عنوان یک کانال استراتژیک در ارتباط با اورآسیا، علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی برجسته، غنی از منابع نفت و گاز است و با چین مرز مشترک دارد. بر اساس گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول، گردش مالی تجارت چین با این منطقه در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۲۱ بیلیون دلار بود که این رقم به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسید و از ۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. در حالی که نگاه به تجارت به ارزش دلار می‌تواند گمراه‌کننده باشد؛ اما علت اصلی نوسان در این حجم از مبادله گویای ارتباط مستقیم تجارت و تقاضای روبه‌رشد چین برای نفت و گاز است. کارشناسان این حوزه معتقدند این نوسان برآیند تغییر قیمت جهانی انرژی است؛ زیرا بیشترین انقباض در کل گردش مالی تجارت در سال ۲۰۱۳ بود که بی‌ارتباط با رکود چشم‌گیر قیمت جهانی نفت نیست که از ۱۱۰ دلار به زیر ۵۰ دلار در اوایل سال ۲۰۱۵ کاهش یافت (Bhuria, 2019: 1). در میان کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان به‌واسطه موقعیت مناسبی که دارد، به‌عنوان «تسمه»^{۱۰} ابتکار یک کمربند یک‌راه معرفی می‌شود. صادرات سالانه ۶/۳ میلیارد دلاری این کشور تحت سوخت‌های فسیلی به رشد چین دامن می‌زند. علاوه بر این، خط لوله نفتی قزاقستان روزانه ۱۳۰۰۰۰ بشکه نفت را به سمت غرب چین انتقال می‌دهد که نخستین مسیر مستقیم نفتی PRC به آسیای مرکزی است و ترکمنستان در کنار این کشور حدود ۱۵ درصد از نیازهای گاز طبیعی چین را تأمین می‌کند (Grant, 2019: 1).

۴- کاوش در انگیزه ابتکار یک کمربند یک‌راه

این بخش با هدف کاوش در انگیزه‌های چین، به تحلیل نقش، محتوا، دامنه و اهمیت ابتکار یک کمربند یک‌راه خواهد پرداخت تا بدین پرسش پاسخ دهد که این کشور دستیابی به چه اهدافی را با اتکا به این ابتکار برای خود ترسیم کرده است.

شی جینپینگ رئیس‌جمهور چین، در پایان سال ۲۰۱۳ یکی از سیاست‌های بلندمدت اقتصادی این کشور را اعلام کرد. وی خواستار ایجاد یک جاده ابریشم جدید با هدف توسعه زیرساخت و سرمایه‌گذاری شد که شامل دو بخش است. بخش اول یک کمربند زمینی اوراسیایی است که چین را به اروپا وصل می‌کند و بخش دوم یک مسیر دریایی است که اقتصاد پرجنب‌وجوش جنوب شرق آسیا را به اروپا وصل می‌کند.

¹⁰ buckle

Several routes are proposed for the 'new Silk Road.'



جاه طلبی رهبران چینی در چارچوب این ابتکار که با عنوان یک کمربند یک راه شناخته می شود تاحدی متناوب و گیج کننده است. ایده اولیه و اهمیت این طرح به کنفرانسی در سال ۲۰۱۳ بازمی گردد که با عنوان «دیپلماسی محیطی» برگزار شد. مطابق گزارشها، این کنفرانس اولین نشست بزرگ در حوزه سیاست خارجی و اولین جلسه سیاست گذاری درباره کشورهای همسایه از زمان تأسیس جمهوری خلق چین بود. در کنفرانس دیپلماسی محیطی رهبران چینی اهمیت همسایگان را برای پکن بسیار مهم و استراتژیک ارزیابی کردند. رئیس جمهور چین با بیان اینکه بهبود روابط چین با همسایگان به تقویت روابط اقتصادی و همکاری امنیتی وابسته است، حفظ ثبات در محدوده چین را هدف اصلی دیپلماسی محیطی بیان می کند. همچنین در این نشست تأکید شد که چین باهدف فرآیند ادغام اقتصادی منطقه ای باید روند توسعه زیرساختها و ارتباطات را تسریع کند؛ از این رو، بسیاری از تحلیلگران این نشست را نقطه عطفی در تحول سیاست خارجی چین در نظر می گیرند؛ زیرا رهبران پکن به روشنی اعلام کردند که منابع اقتصادی قابل توجه پکن و ظرفیت آن ابزاری کلیدی برای حفظ ثبات منطقه ای است و می تواند یک نظم منطقه ای جدید را ایجاد کند (Cai, 2017: 2)؛ با این حال، بیش از شصت کشور که حدود دوسوم جمعیت جهان را تشکیل می دهند، این پروژه را امضا کردند. در مقابل، رهبران چین تاکنون حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برای این پروژه هزینه صرف کرده اند؛ اگرچه برآوردهای مربوط به کل سرمایه گذاری متناوب است، مورگان استنلی^{۱۱} پیش بینی کرده است که هزینه چین برای این ابتکار تا سال ۲۰۲۷ به ۱/۳ تریلیون دلار برسد (Chatzky and McBride, 2017).

در باره اهداف این طرح می توان به سند رسمی ای اشاره کرد که در مارس ۲۰۱۵ دولت چین آن را منتشر کرد. در این سند آمده است که هدف از این پروژه «توسعه مشترک و موفقیت متقابل» است. به طور خاص تر هدف این طرح در این سند ارتقاء اتصال به زیرساخت های انرژی، همکاری در جهت افزایش اطمینان امنیت خطوط نفت و گاز و دیگر راه های حمل و نقل و ایجاد شبکه های حمل و نقل جدید با همکاری کشورهای منطقه ای بیان شده است (NDRC, 2015).

¹¹ Morgan Stanley

منتقدان اغلب چند بُعد برای درک اهمیت این ابتکار، برای منافع ملی چین ذکر می‌کنند. برخی معتقدند که رهبران چینی تلاش خواهند کرد تا فرصت‌های تجاری و اقتصادی جدیدی را برای چین و تمام کشورهای عضو این ابتکار ایجاد کنند؛ به‌ویژه منطقه آسیای مرکزی به‌دلیل منابع انرژی غنی و ایجاد ارتباط با غرب که می‌تواند رونق اقتصادی چین را تضمین کند. عده‌ای دیگر بر این باورند که گسترش زیرساخت انرژی در منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه، آسیب‌پذیری چین را نسبت به آشفتگی‌های بالقوه در تنگه مالاکا - در حال حاضر ۸۰ درصد از واردات نفت چین از آنجا عبور می‌کند - کاهش می‌دهد (Dusek and Kairouz, 2017).

برخی هم این دیدگاه را مطرح می‌کنند که این ابتکار فرصتی برای چین در زمینه صنایع ساخت‌وساز و پروژه‌های زیربنایی فراهم خواهد کرد (Miller, 2017: 32). افزون‌بر این‌ها، این دیدگاه هم وجود دارد که این ابتکار، تلاش پکن برای به دست آوردن اهرم سیاسی در مقابل همسایگان است. همچنین با در نظر گرفتن ظرفیت قابل توجه چین در داخل، این استدلال مطرح می‌شود که پکن در پی انتقال صنایع تولیدی مازاد و تولید بیش از حد محصولات به سایر مناطق است. علاوه بر این‌ها، جاستین یرفو فولین سیاست‌گذار و اقتصاددان پیشین بانک جهانی ادعا می‌کند که این ابتکار می‌تواند به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای مقابله با دخالت آمریکا در آسیا مورد استفاده قرار گیرد و نشانه‌هایی وجود دارد که برخی از متحدان منطقه‌ای در حال حاضر نسبت به مسائل مربوط به رهبری اقتصادی به پکن گرایش دارند (Cai, 2017: 4).

۵- تقویت دیپلماسی انرژی چین در چارچوب ابتکار یک کمربند یک راه

مطابق با یافته‌ها و با اتکا به آموزه‌های نظریه نهادگرایی نولیبرال می‌توان استدلال کرد که نشانه‌هایی وجود دارد که این ابتکار با تسهیل وابستگی اقتصادی و منافع متقابل، زمینه را برای تقویت دیپلماسی انرژی پکن فراهم کرده است؛ برای مثال در ماه مه ۲۰۱۷ پکن اولین انجمن یک کمربند یک‌راه را با حضور ۲۷ رئیس دولت، ۷۰ نفر از نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و ۱۰۰ مقام در سطح وزارتخانه‌ها برگزار کرد و اولین پروژه خط لوله با نشان این ابتکار در سال ۲۰۱۷ افتتاح شد (Global times, 2017). در آوریل همین سال چین و قزاقستان یک خط لوله گاز افتتاح کردند که با این طرح سالانه ۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به چین انتقال می‌یابد (china daily, 2017). افزون‌بر این‌ها، چین و میانمار در چارچوب جاده ابریشم جدید نیز تفاهمی را برای تأسیس یک خط لوله نفت بین خود امضا کردند که این طرح ظرفیت ۲۲ میلیون تن نفت خام را در سال دارد (Sigi and ma, 2017). همچنین، ۱۱ کشور در امتداد این کمربند موافقت‌نامه تجاری را با چین به مدت ۲۲ سال امضا کرده‌اند (Hongpei And Daye, 2017).

در همین باره، رئیس‌جمهور چین در چارچوب ابتکار جاده ابریشم جدید سیاست «جامعه سرنوشت مشترک» را با هدف ایجاد روابط نزدیک با کشورها به‌ویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا اعلام کرد. به عبارتی پکن با اتکا به شبکه‌های ارتباطی و زیرساختی جدید امیدوار است با افزایش ایجاد حسن نیت، بخشی از اختلافات ارضی خود را در دریای چین جنوبی برطرف کند (Miller, 2017: 25). با توجه به آنچه تام میلر در کتاب «رؤیای آسیایی چین^{۱۲}» بیان کرده است،

¹² China's Asian Dream: Empire Building Along the New Silk Road

باید این نکته را اضافه کرد که پرورش یک رابطه متقابل و جامعه سرنوشت مشترک، هم موجب کاهش اختلافات ارضی می‌شود و هم می‌تواند افزایش تأثیرگذاری پکن را در منطقه به دنبال داشته باشد که نتایج حاصل از آن از منظر کوهن و نای می‌تواند به عدم تقارن در وابستگی متقابل پیچیده بینجامد. این نبود تقارن، قابلیت ایجاد یک منبع قدرت را دارد که توسط دولت‌های تجاری بزرگ‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد (Keohane and nye, 2011: 19); برای مثال ابتکارات نهادی با اتصال شبکه‌ای از جاده‌ها به پکن، وزن نامتناسبی را در روابط اقتصادی پیشرفته برای چین ایجاد خواهد کرد؛ زیرا تعاملات فزاینده، شرکای تجاری کوچک‌تر را به چین وابسته خواهد کرد و ابزارهای اقتصادی در اختیار اهداف سیاسی پکن قرار خواهد گرفت.

کسب اعتبار و پرستیژ بین‌المللی از دیگر مزیت‌های تدارکات نهادی برای پکن است. در دیدگاه شی جینپینگ، چین یک قدرت عالی است و باید به‌عنوان متولی ایجاد جامعه بین‌المللی شناخته شود. وی در مراسم افتتاحیه بانک زیرساخت آسیایی اعلام کرد که چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ باید تعهدات بین‌المللی بیشتری را اتخاذ و نظام اقتصادی بین‌المللی فعلی را بهبود بخشد (Gennari, 2016: 83). وی با بیان اینکه «رشد اقتصادی چین دارای منافع جهانی است»، متذکر می‌شود که «چین نه تنها از جهانی شدن اقتصاد سود برده بلکه به آن کمک کرده است». وی همچنین در دفاع از جهانی شدن اظهار داشت: «این درست است که جهانی شدن اقتصاد مشکلات جدیدی را ایجاد کرده، اما این توجیهی برای زیر سؤال بردن واقعیت مسئله جهانی شدن نیست. ما باید با اقتصاد جهانی منطبق شویم و آن را درست هدایت کنیم» (Financial timse, 2017). حمایت رئیس‌جمهور چین از اجتناب‌ناپذیری، انطباق و هدایت جریان موسوم به اقتصاد جهانی بیانگر آن است که رهبران سیاسی این کشور نقش جدیدی برای پکن به‌عنوان رهبر وابستگی متقابل جهانی در نظر گرفته‌اند که این موضوع می‌تواند اعتبار این کشور را در حکومت جهانی افزایش دهد.

افزایش قدرت نرم و خلق تصویری جذاب از دیگر مزیت رژیم‌سازی‌های جدید است که موجب تقویت ارتباطات فزاینده در حوزه انرژی و امنیت آن می‌شود. رئیس‌جمهور فعلی و مقامات وابسته به ساخت تدارکات نهادی، به‌منظور دستیابی به تصویری مطلوب، کمپینی از روابط جدید را پی‌ریزی کرده‌اند؛ برای مثال جینپینگ راهبرد «نوع جدیدی از رابطه با قدرت‌های بزرگ»^{۱۳} را مطرح کرد. مطابق با این سیاست که متمرکز به رابطه با ایالات متحده امریکاست، رهبران سیاسی پکن بر اصطلاحاتی چون «برد - برد»، «احترام متقابل»، «حاصل جمع مثبت» را تأکید کرده‌اند و استدلال می‌کنند که بانک زیرساخت آسیای با نهادهای مالی غرب همکاری خواهد کرد و نقشی هم‌افزا خواهد داشت؛ از این‌رو انگیزه‌های ژئوپلیتیکی رژیم‌سازی را می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از فشار پکن برای افزایش توانایی‌های نرم‌افزاری قدرت تحلیل کرد.

نقش تدارکات نهادی پکن در چارچوب حصول اطمینان از صلح و ثبات مناطقی چون خاورمیانه مزیت دیگری است که از دو منظر قابل پیگیری است. رژیم‌های جدید بین‌المللی چین می‌توانند به‌عنوان یک اقدام امنیتی غیرمستقیم به‌منظور محافظت از منابع انرژی، تنش‌های موجود در منطقه را با افزایش وابستگی متقابل اقتصادی کاهش دهند. به عبارتی با اتکا به الگوی صلح در اروپا می‌توان پیش‌بینی کرد که وابستگی اقتصادی در خاورمیانه ممکن است انگیزه مشارکت در مذاکرات

¹³ New type of great power relationship

دیپلماتیک را در جهت کاهش تنش میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرقه‌های مذهبی کاهش دهد. از سوی دیگر، ژئوپلیتیک انرژی چین نشان داد که ۸۰٪ نفت وارداتی پکن از تنگه مالاکا عبور می‌کند و شبکه‌های ارتباطی جدید و تنوع مسیرها، آسیب‌های احتمالی را در این تنگه کاهش خواهد داد؛ بنابراین اگر پکن بتواند موضع فعلی خود را برای حفظ روابط مثبت و حل اختلافات منطقه‌ای تقویت کند، ضمن افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی خود در چارچوب صلح و ثبات منطقه‌ای می‌تواند، تهدیدهای ژئوپلیتیکی بالقوه را تاحدی کاهش دهد.

رژیم‌های بین‌المللی جدید همچنین زمینه را برای توسعه صادرات و دسترسی به بازارهای تجاری جدید فراهم می‌کنند؛ برای مثال خاورمیانه با حدود ۵۰۰ میلیون جمعیت یک بازار مصرفی بزرگ است که رونق اقتصادی پکن را با دسترسی به بازارهای صادراتی جدید تضمین خواهد کرد؛ از این رو، بی‌دلیل نیست که بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی به‌عنوان یک سازمان چندجانبه با شروع توزیع وام در سال ۲۰۱۶، اولین وام را به خاورمیانه به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار برای کمک به ساخت بندر دوام عمان و ساخت اولیه سیستم راه‌آهن این کشور اختصاص داد (Dusek And Kairouz, 2017).

البته ابتکارات نهادی پکن به‌عنوان میراث سیاسی جینپینگ با چالش‌های متعدد و بزرگی روبه‌روست. اولین چالش به‌کمبود قابل توجهی از اعتماد کشورها در امتداد جاده ابریشم و عضویت در بانک زیرساخت آسیایی بازمی‌گردد؛ برای مثال یکی از مقامات هندی این ابتکار را متهم به یک‌جانبه‌گرایی کرده و دستیار مدیر شورای امنیت ملی هند معتقد است که پروژه کریدور در پاکستان یک مانع عمده برای هند در مشارکت در این ابتکار است (Cai, 2017: 14)؛ از این رو پکن باید بکوشد تا کشورها را متقاعد کند که عضویت و پیوستن به این طرح‌ها به‌صورت متقابل سودمند است.

یکی دیگر از جنبه‌های چالش‌برانگیز برای ابتکارات پکن آن است که زیرساخت‌ها عمدتاً با وام تأمین می‌شود و اقتصادهای توسعه‌نیافته خاورمیانه و آسیای مرکزی به مشاهده پروژه‌های زیربنایی نیاز دارند تا به لحاظ اقتصادی برای آن‌ها وام بگیرند؛ بنابراین جاده ابریشم جدید باید ظرفیت کامل تجارت خود را تحقق بخشد تا کشورها را متقاعد کند که این طرح پتانسیل کمک به آن‌ها را دارد.

مشکل بعدی به ریسک‌پذیری و تأمین مالی از جانب بانک‌ها بازمی‌گردد. بسیاری از بانکداران چینی نگرانی‌های درباره امکان‌پذیری پروژه‌های ابتکاری و خطرات مربوط به وام‌های خارجی و ثبات سیاسی و پایداری اقتصادی دارند؛ برای مثال یکی از مقامات سرمایه‌گذار چینی می‌گوید: من ترجیح می‌دهم در استرالیا و کانادا سرمایه‌گذاری کنم، جایی که می‌دانم امن و مناسب است. همچنین پینگ هوانگ اقتصاددان بانفوذ و رئیس کمیته سیاست پولی تأکید دارد که چین باید با احتیاط در این مسیر گام بردارد؛ زیرا مسیر آینده سخت است (Cai, 2017: 16).

همچنین می‌توان نگاه ایالات متحده به رژیم‌های جدید بین‌المللی پکن را به‌عنوان چالشی دیگر در نظر گرفت. همان‌طور که پیشتر بدان پرداخته شد، مقامات کاخ سفید ابتکارات نهادی پکن را در راستای تضعیف نهادهای مالی غرب و خارج از معماری اقتصاد جهانی تلقی می‌کنند؛ از این رو، با نپیوستن و تمرکز بر مطرح‌کردن ضعف‌های رژیم‌های پکن سعی در تضعیف و به چالش کشیدن آن‌ها دارند؛ به عبارتی رهبران سیاسی ایالات متحده این اجازه را به پکن نخواهند داد تا با اتکا به رژیم‌های بین‌المللی که آمریکا رهبری آن را به عهده دارد، بتواند جاه‌طلبی‌های خود را دنبال کند.

۶- ظرفیت‌سازی ابتکار یک کمربند یک‌راه برای معماری جدید حکمرانی جهانی انرژی

این بخش درصدد پاسخ به این پرسش است: رهبران سیاسی چین چه درکی از وضعیت فعلی حکمرانی جهانی انرژی دارند و ابتکار یک کمربند یک‌راه چگونه می‌تواند با تقویت دیپلماسی انرژی تضمینی برای موفقیت در بازسازی ساختار سیستم انرژی جهانی متناسب با ترجیحات پکن باشد؟

مدیریت جهانی انرژی و تنظیم بازارهای نفت و گاز نیازمند قوانین و هنجارهای است که یک نهاد بین‌المللی آن را اعمال کند؛ اکنون این وظیفه بر عهد [آژانس بین‌المللی انرژی است؛ اما به نظر می‌رسد پکن این نهاد را متناسب با ترجیحات و وضعیت خود به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده انرژی نمی‌داند و در تلاش است با مشارکت و تغییر اوضاع در حکمرانی جهانی، نقش بزرگ‌تر و شایسته‌تری را برای خود ایجاد کند. نشانه‌های این رویکرد را می‌توان در اظهارات مقامات رسمی این کشور پیگیری کرد. وزیر خارجه پکن در «اجلاس جهانی انرژی آینده»^{۱۴} در سال ۲۰۱۲ در ابوظبی، بر ضرورت ایجاد قوانین جدید در بخش انرژی جهانی تأکید کرد. در آن زمان وی خواستار ایجاد یک سازمان از نوع «G20» برای اداره منصفانه قوانین جهانی به‌منظور ثبات در بازارهای نفت و گاز شد (Worthington, 2012). تداوم این نارضایتی را می‌توان در اجلاس برزین استرالیا در نوامبر ۲۰۱۴ پیگیری کرد. در این اجلاس نمایندگان پکن معتقد بودند که مدیریت جهانی انرژی با تغییرات انرژی فعلی همگام نیست و معماری بین‌المللی انرژی به بازتاب بهتر واقعیات در حال تغییر انرژی جهان نیاز دارد. علاوه بر این، در نوامبر سال ۲۰۱۵ چین به همراه اندونزی و تایلند به‌طور رسمی انجمن خود را با آژانس بین‌المللی انرژی فعال کرد؛ اما صراحتاً اعلام کرد که فعال‌شدن انجمن «اولین قدم در جهت یک سازمان انرژی جهانی واقعی» است (Global energy Governance reform and china participation, 2016: 6). چنین رویکردی بیانگر نارضایتی گسترده پکن از حکمرانی انرژی جهانی تحت رهبری غرب است؛ از این رو سه دیدگاه درباره نقش‌آفرینی چین در مسائل مربوط به انرژی جهانی وجود دارد. برخی از تحلیل‌گران، پکن را فاقد ظرفیت لازم برای به چالش کشیدن نظم جهانی انرژی و نقش‌آفرینی برجسته در اداره انرژی جهانی می‌دانند. در مقابل، گروهی دیگر رفتار چین را شفاف‌تر، مسئولانه‌تر، قابل‌درک‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر می‌دانند که می‌تواند با ایجاد قوانین جدید، یک نظم جهانی نو ایجاد کند. دیدگاه سوم، تأثیرگذاری و قابلیت چین را در راستای حکمرانی جهانی با اتکا به نهادهای چون بریکس و «G20» تبیین می‌کند و بر این باور است که نقش‌آفرینی پکن در این نهادها این توانمندی را به رهبران پکن می‌دهد تا تأثیرات قابل‌توجهی در این حوزه از خود بر جای بگذارند (Christoffersen, 2016: 18). برخلاف دیدگاه‌های فوق، نکته مهمی که باید به آن پاسخ داد این است که ابتکارات پکن از جمله یک کمربند یک‌راه چگونه با تقویت دیپلماسی انرژی پکن می‌تواند به نقش‌آفرینی بیشتر این کشور در بازسازی ساختار سیستم انرژی جهانی فعلی بینجامد. با هدف پاسخ به این پرسش مواردی در ادامه ذکر خواهد شد که می‌تواند برآیند تقویت دیپلماسی انرژی در چارچوب ابتکار یک کمربند یک‌راه باشد و زمینه را برای ورود به نظام نظارتی بین‌المللی و اصلاح حکمرانی جهانی فراهم کند. این موارد شامل:

¹⁴ At the World Future Energy Summit

- تسهیل روابط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده و جمع‌آوری داده‌های مربوط با انرژی و طبقه‌بندی آن‌ها؛
 - ایجاد خرده‌نهادهای جدید به منظور تجزیه و تحلیل، تحقیق و هماهنگی در زمینه فناوری و مدیریت اضطراری مسائل مربوط به انرژی؛
 - ایجاد ارتباطات فزاینده میان مقامات عالی‌رتبه بخش انرژی و تسهیل همکاری میان آن‌ها؛
 - افزایش اعتبار و کسب پرستیژ بین‌المللی با هدف تسریع روند وابستگی متقابل جهانی؛
 - حل اختلافات ارضی و ایجاد روابط نزدیک با ایجاد شبکه‌های ارتباطی و زیرساختی؛
 - همکاری با کشورهای عضو این ابتکار به منظور ایجاد منشور انرژی به‌عنوان بدنه‌ای با چارچوب قانونی خاص با هدف محافظت از سرمایه‌گذاری بین‌المللی انرژی و بخش ترانزیت؛
 - کاهش نگرانی‌های امنیتی از طریق متحدین درگیر در روند احیای امنیت این ابتکار.
- افزون‌بر این‌ها باید در نظر داشت که حکمرانی جهانی انرژی برای تحقق اهداف خود باید از حمایت نهادهای مالی برخوردار باشد که تلاش و ابتکارات مالی پکن مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی برای رسیدن به این هدف دور از ذهن نیست.

۷- نتیجه‌گیری

دیپلماسی انرژی را می‌توان قرارداد انرژی در برنامه سیاست خارجی به‌منظور کنترل سیاسی بیشتر بر فعالیت‌های انرژی در خارج از کشور و مشارکت مؤثرتر در حکمرانی جهانی تعریف کرد. مطابق با یافته‌ها و باتوجه‌به آنچه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، می‌توان گفت پکن ابتکار یک کمربند یکراه را در گام نخست، ابزاری برای تقویت امنیت انرژی و در گام بعد، مکانیسمی برای تأثیرگذاری بر دستورالعمل جهانی مدیریت انرژی و انتقال به نظام نظارتی بین‌المللی به‌عنوان بخشی از ائتلاف می‌داند؛ از این‌رو پژوهش حاضر به‌منظور ارائه شواهد مستدلی برای پشتیبانی از استدلال فوق، تلاش کرد تا با اتکا به آموزه‌های نظریه نهادگرایی نولیبرال، چگونگی تأثیرگذاری و پیامدهای رژیم‌شناس بین‌المللی جدید را بر دیپلماسی انرژی پکن نشان دهد. برای رسیدن به این هدف ابتدا ژئوپلیتیک انرژی چین بررسی شد. مشارکت چین و سرمایه‌گذاری این کشور در خارج از مرزها بسیار بحث‌برانگیز بوده است. طی سال‌های گذشته دیپلماسی انرژی این کشور به دلیل ایجاد شرایط ضعیف کار برای کارگران محلی، به‌کارگیری نیروهای چینی به‌جای کارگران بومی در شرکت‌های محلی، معاملات تجاری ناعادلانه، تجارت با رژیم‌های اقتدارگرا و همچنین نادیده‌گرفتن وضعیت نامناسب حقوق بشر در برخی از کشورهای صادرکننده منابع انرژی، متهم به اقدامات ناعادلانه اقتصادی و استعمارگرایانه بوده است و در چارچوب سیاست‌های نئومرکانتلیستی تبیین می‌شود (Tang, 2006: 13)؛ اما یافته‌ها نشان داد که ماهیت الگوی رفتاری پکن در دستیابی به منابع انرژی را نباید تنها با اتکا به رویکرد نئومرکانتلیستی تبیین کرد؛ زیرا عوامل متعددی خارج از اختیارات چین وجود دارد که منطق دیپلماسی انرژی این کشور را تعیین می‌کند؛ برای مثال پکن با بهره‌گیری از ضعف‌های حکومتی و ساختاری در آفریقا متهم به پیگیری منافع ملی در چارچوب سیاست‌های نئومرکانتلیستی است؛ اما در خاورمیانه و آسیای

مرکزی باتوجه به حضور قدرت‌هایی مانند آمریکا و روسیه و ساختار سیاسی قدرتمند برخی کشورهای منطقه‌ای، قادر به پیگیری سیاست‌های مشابه در افریقای جنوبی نیست. به عبارتی خاورمیانه بستری برای اتخاذ استراتژی نئومرکانتلیستی پکن نیست و حتی می‌تواند به‌عنوان مثبت‌ترین مورد به‌منظور وابستگی متقابل اقتصادی تلقی شود. به سخن دیگر، همان‌طور که پکن برای ادامه رونق اقتصادی و حرکت در مسیر توسعه به یک منبع تغذیه نامحدود انرژی نیاز دارد، در مقابل اقتصادهای خاورمیانه به‌علت تک‌بعدی بودن، به بازارهای مطمئن بزرگی مانند چین نیاز دارند تا صادرات خود را ادامه دهند. همچنین از منظر نهادگرایی نولیبرال می‌توان ادعا کرد که تدارکات بین‌المللی جدید پکن می‌تواند فرصت‌های جدید اقتصادی را برای این آسیای مرکزی با اتصال به اروپا و آسیا و از طریق ارتباطات زیرساختی فراهم کند؛ این امر تضمینی برای افزایش مشروعیت، اعتبار، نفوذ و دسترسی پکن به منابع انرژی این منطقه است. درعین حال باید در نظر داشت که هر قدر چین در این منطقه سرزمین کسب کند، روسیه به‌طور عمده سرزمین از دست می‌دهد که ممکن است در آینده به درگیری‌های سیاسی بینجامد؛ اما با اتکا به نظریه نهادگرایی نولیبرال می‌توان استدلال کرد که پکن و مسکو ابتدا تلاش خواهند کرد با بهره‌گیری از منابع غیرنظامی منافع خود را پیگیری کنند که نمونه همبستگی اقتصادی در بحران مالی سال ۲۰۰۸ به وقوع پیوست و حضور چین در آسیای مرکزی تقویت شد.

بنابراین هنگام تلاش برای توضیح اهمیت و نقش ابتکار یک کمر بند یک‌راه بر دیپلماسی انرژی پکن باید به پرورش رابطه متقابل مشترک و افزایش نفوذ منطقه‌ای، تعریف نوع جدیدی از رابطه با قدرت‌های بزرگ، حل اختلافات ارضی، ایجاد تصویری مطلوب و افزایش مشروعیت سازمانی و اعتبار بین‌المللی، صلح و ثبات منطقه‌ای و دسترسی به بازارهای جدید تجاری که همگی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در خدمت تضمین عرضه و امنیت انرژی پکن باشد، اشاره کرد. به عبارتی از منظر نهادگرایی نولیبرال می‌توان گفت پکن با پایه‌ریزی این ابتکارات در تلاش است با ورود به نظام نظارتی بین‌المللی ضمن دستیابی به شبکه‌ای از فرصت‌ها در زمینه صادرات مستقیم انرژی، مشروعیت و اعتبار خود را برای ایجاد ارتباطات فزاینده و تسهیل روند وابستگی متقابل اقتصادی افزایش دهد.

سرانجام باید گفت این نتیجه‌گیری فرصت‌های بالقوه جدیدی را برای مطالعات آینده درباره دیپلماسی انرژی چین فراهم می‌کند. به عبارتی پتانسیل‌های جامع‌تری برای اثبات این یافته‌ها با رویکردهای کمی وجود دارد که می‌تواند به‌دنبال همبستگی آماری بین تدارکات نهادی و دیپلماسی انرژی این کشور باشد. در واقع طی سال‌های آینده با توسعه تدارکات نهادی پکن موارد و اطلاعات کافی‌تری برای انجام یک مطالعه دقیق‌تر وجود دارد؛ زیرا به‌دلیل فقدان بلوغ این نهادها تأثیرات واقعی آن‌ها هنوز تا حد زیادی ناشناخته است. افزون‌بر این اکنون که چین یک هژمون بالقوه ارزیابی می‌شود، مطالعات جدیدتری می‌تواند دستمایه این پرسش باشد که آیا دیپلماسی انرژی چین به‌سمت وابستگی متقابل اقتصادی حرکت می‌کند یا تداوم سیاست‌های نئومرکانتلیستی خواهد بود؟

۱. تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۹۵)، «چالش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت و هژمونی مالی اقتصادی امریکا»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۲.
 ۲. شغایی، مسعود؛ دارابی، گلتاب (۱۳۹۰)، «اهداف و ابعاد دیپلماسی انرژی چین»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۴.
 ۳. جکسون، رابرت و سونسون، گئورگ (۱۳۹۱)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، مترجمان: مهدی ذاکریان و دیگران، تهران: نشر میزان، چاپ ۴.
 ۴. واعظی، محمود (۱۳۸۹). «نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی امریکا»، فصلنامه سیاست خارجی ۲.
- Africa oil week (2019), Understanding Chinese investment in African oil and gas, Available Online at: <https://www.africa-oilweek.com/Articles/understanding-chinese-investment-in-african-o>
- Armstrong, D., Farrell, T., & Lambert, H. (2012). *International law and international relations*. Cambridge University Press.
- Burley, A. (1993). International Law and International Relations Theory: A Dual Agenda. *American Journal of International Law*, 87(2), pp. 205-239.
- Bhutia, S. (2019), Who wins in China's great Central Asia spending spree? , Eurasianet, Available Online at: <https://eurasianet.org/who-wins-in-chinas-great-central-asia-spending-spre>
- Cai, P. (2017), Understanding China's Belt and Road Initiative, *The Lowy Institute for International Policy*, Available Online at: <https://www.loyyinstitute.org/publications/understanding-belt-and-road-initiative>
- China Daily (2017), New pipeline broad bases gas supplies. Retrieved from *Belt and Road Portal*, Available Online at: <https://eng.yidaiyilu.gov.cn/qwyw/rdxw/11213.htm>
- CNREC. (2016), *China Renewable Energy Outlook 2016*. China National Renewable Energy Centre.
- Dusek, M., & Kairouz, M. (2017), *Is China pivoting towards the Middle East?* Retrieved from *World Economic Forum*, Available Online at: <https://www.weforum.org/agenda/2017/04/is-china-pivoting-towards-the-middle-east/>
- Dusek, T. (2017), *China's Asian Dream*. London: Zed Books.
- EIA. (2017), *U.S. Net Imports from Angola of Crude Oil and Petroleum Products*. Retrieved from *U.S. Energy Information Administration*, Available Online at: <https://www.eia.gov/dnav/pet/hist/LeafHandler.ashx?n=PET&s=MTTNTUSAO2&f=M>
- Fauzisyah, V. (2018), *China and UNCLOS: An inconsistent relationship*, MSc Political Science: *Nationalism, Ethnic Conflict and Development*, Leiden University
- Financial times (2017), Xi Jinping delivers robust defence of globalisation at Davos, Available Online at: <https://www.ft.com/content/67ec2ec0-dca2-11e6-9d7c-be108f1c1dce>
- Gennari, L. (2017), *Power Transitions and International Institutions: China's Creation of the Asian Infrastructure Investment Bank*, University of Pennsylvania
- Grant, J. (2019), China Looks to Central Asia as an Economic Alternative , *The Diplomat*, Available Online at: <https://thediplomat.com/2019/12/china-looks-to-central-asia-as-an-economic-alternative>.
- Global Energy Governance Reform and China's participation (2016), Energy Research Institute, NDRC; Grantham Institute, Imperial College London, Available Online at:

- <https://www.imperial.ac.uk/media/imperial-college/grantham-institute/public/publications/collaborative-publications>
- Global Times. (2017), *How the Belt and Road initiative is bringing countries together*. Retrieved from *Global Times*: Available Online at: <http://www.globaltimes.cn/content/1046488.shtml>
- Gueldry, M., & Liang, W. (2016), China's Global Energy Diplomacy: Behavior Normalization Through Economic Interdependence or Resource Neo-mercantilism and Power Politics? *Journal of Chinese Political Science/Association of Chinese Political Studies*, 217–240.
- Hongpei, Z., & Daye, C. (2017), *Belt, Road boosts world cooperation*. Retrieved from *Global Times*, Available Online at: <http://www.globaltimes.cn/content/1046322.shtml>
- James, Mc., & Andrew, C. (2017), Is 'Made in China 2025' a Threat to Global Trade? *Council Foreign Relation*, Available Online at: <https://www.cfr.org/backgrounder/made-china-2025-threat-global-trade>
- Keohane, R. O. (2005), *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton: Princeton University Press
- Keohane, R., & Joseph, N. (1989), *Power and Interdependence*, 2nd ed. Boston: Scott Foresman
- Li, X., & Yuwen, Z. (2016), *The Future of China's Diplomacy in the Middle East*. Retrieved from *The Diplomat*, Available Online at: <http://thediplomat.com/2016/07/the-future-of-chinas-diplomacy-in-the-middle-east/>
- NDRC. (2015, March 28), *Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st-Century Maritime Silk Road*. Retrieved from National Development and Reform Commission, Available Online at: http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330_669367.html
- Reuters. (2016, January 26), *China oil demand to grow 4.3 percent in 2016: CNPC research*. Retrieved from CNBC, Available Online at: <http://www.cnbc.com/2016/01/26/china-oil-demand-to-grow-43-percent-in-2016-cnpc-research.html>
- Sanghi, A., & Johnson, D. (2016), *Three myths about China in Kenya*. Retrieved from *Brookings Institute*, Available Online at: <https://www.brookings.edu/blog/future-development/2016/05/16/three-myths-about-china-in-kenya/>
- Scobell, A., & Nader, A. (2016), *China in the Middle East: The Wary Dragon*. Santa Monica, California: RAND Corporation.
- Sertine, C. (2020), China oil imports from Saudi Arabia jumped 47% in 2019, Available Online at: <https://www.oilandgasmiddleeast.com/drilling-production/35949-china-oil-imports-from-saudi-arabia-jumped-47-in-2019>
- Tang, J. (2006), *With the Grain or Against the Grain? Energy Security and Chinese Foreign Policy in the Hu Jintao Era*. Washington D.C.: *The Brookings Institution*.
- World Nuclear Association. (2017), *Nuclear Power in China*. Retrieved from *World Nuclear Association*: Available Online at: <http://www.world-nuclear.org/information-library/country-profiles/countries-a-f/china-nuclear-power.aspx>
- Worthington, D. (2012), *China Proposes Global Energy Governance, Development*, ZDNet.com, Available Online at: www.zdnet.com/article/china-proposes-global-energy-governance-development.

Belt and Road Initiative, Institutionalism and China's energy diplomacy

Received:2020.2.29

Accepted:2020.4.2

Abstract

Over the past two decades, China's energy diplomacy is rapidly changing and expanding. The rise of China and the Economic Growth have led to that this country to made great efforts to conserve energy resources and its security. However, recent geopolitical developments, such as the establishment of China's new international institutions, have reinvigorated the field of China's energy diplomacy. The purpose of this paper is the analysis the role, content, scope and importance of China's institutional procurement and identify some of its consequences on China's energy diplomacy to facilitating economic interdependence and Beijing's goals in the energy sector. The main question is how does China's new international regimes (One Belt One Road Initiative) complement China's energy diplomacy? By using Neo-Liberal Institutionalism theory this essay will show that China's new international institutions are successful complements to China's energy diplomacy, hence they provide China with institutional legitimacy, which increases its energy trade and investment opportunities and the most important consequence is creating a New World Order for Global Energy Governance.

Keywords: Energy diplomacy, China, Neoliberal Institutionalism, International Regimes, Global governance

